

اخلاق

فصلنامه علمی-ترویجی در حوزه اخلاق  
سال هفتم، شماره ۲۷، پیاپی ۴۹، پاییز ۱۳۹۶  
صفحات ۱۱-۲۸

AKHLAGH  
Religious Extension Quarterly  
No.27/ FALL 2017/Seventh Year

## بررسی نهی از سرگرمی در سبک زندگی اسلامی

سید عبدالله میرخندان\*

### چکیده

بررسی دیدگاه دینی درباره جایگاه سرگرمی در سبک زندگی اسلامی، منوط به بررسی آموزه‌های اسلامی در این زمینه است. بخش مهمی از این آموزه‌ها، نواهی درباره این موضوع است. پژوهش پیش رو با روش توصیفی تحلیلی در پی بررسی حکمت و میزان دلالت این نواهی است.

در این مقاله به این نتایج رسیدیم که سرگرمی‌های نهی شده در منابع دینی یا به خودی خود و به طور خاص مذموم هستند یا مقرون و ملازم با آن‌ها امر مذمومی است یا این که مقدمه یا نتیجه آن‌ها امر مذمومی است. همچنین، با توجه به این نواهی، سرگرمی‌ای مطلوب است که مشتمل بر گناهان نباشد و با توجه به عالم غیب صورت پذیرد، مطابق با معیارهای عقلی باشد، هدف داشته باشد و بیهوده نباشد و مانع یاد خدا و کمال انسان نباشد.

### واژگان کلیدی

سرگرمی، نهی از سرگرمی، سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، اخلاق اسلامی.

\* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، کارشناسی ارشد اخلاق کاربردی.

Abdollahmirkhandan@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۰۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۰



## مقدمه

سرگرمی<sup>۱</sup> به معنای حالت نفسانی و نوعی گذران اوقات فراغت است که گاه به خودی خود و فارغ از دیگر امور زندگی، ارزش دارد و به صورت اختیاری (فعالانه یا منفعلانه) و به قصد اموری چون ایجاد تفریح و شادمانی، تنوع و تفنن، شکوفایی فردی و اجتماعی، استراحت، رفع غم و خستگی و گریز از یکنواختی انجام می‌شود.

در سبک زندگی<sup>۲</sup> اسلامی، تعیین جایگاه سرگرمی در زندگی روزمره اهمیت به‌سزایی دارد. سبک زندگی اسلامی را می‌توان نظام ترجیحات رفتاری<sup>۳</sup> که مطابق با معیارهای اسلامی باشد، تعریف کرد (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۱، ص ۲۷). از دیرباز در تعالیم اسلامی و دیگر ادیان الهی به مقوله سرگرمی و تفریح توجه شده و آموزه‌های بسیاری در این باره وارد شده است که از مهم‌ترین این آموزه‌ها، نواهی و نکوهش سرگرمی‌هاست. نگارنده در این باره پژوهش مستقلی که مفاهیم سرگرمی و سبک زندگی را با هم در نظر گرفته باشد و به دیدگاه اخلاق اسلامی پرداخته باشد، نیافت.

در این مقاله سعی شده است روشن شود علت و حکمت نهی از سرگرمی در سبک زندگی اسلامی چیست؟ به این منظور، به سؤالات دیگری نیز پاسخ داده شده است؛ مانند این که لهُو در اصطلاح شرع به چه معناست و نیز برخی از شاخصه‌های سرگرمی مطلوب چیست؟ لازم به یادآوری است آنچه در این مقاله آمده به منزله نظر قطعی اسلامی الهی نیست و نگارنده قصد ندارد آن‌ها را فرض مسلم بدانند. بر همین اساس، نظرات متفکران اسلامی هم دیدگاه اسلامی محسوب شده است.

## مفهوم لهُو

بدان دلیل که بسیاری از نکوهش‌ها درباره سرگرمی منوط به بررسی مفهوم لهُو است، ضرورت دارد معنای این واژه نیز در منابع دینی بررسی شود. چنانچه ترادف یا حتی قرابت

1. Amusement/Entertainment.  
2. Life style.  
3. Priorities.





مفهومی بین سرگرمی و لهو ثابت شود، می‌توان احکامی که درباره لهو در شرع وارد شده است را به سرگرمی‌های امروزی نیز سرایت داد. غیر از احکام اخلاقی حاصل از ترادف یا قرابت، شناخت معنای لهو به منزله یک موضوع مهم در اخلاق اسلامی نیز اهمیت ویژه دارد؛ چراکه بسیاری از اختلاف نظرها در میان متفکران اسلامی درباره سرگرمی‌ها ناشی از مشخص نبودن مفهوم لهو است. برخی از متفکران اسلامی برای لهو معنایی مذموم و مقید به شرایطی خاص در نظر گرفته‌اند؛ در حالی که برخی دیگر معنای لهو را عام و شامل لهو مطلوب دانسته‌اند. هریک از این دو گروه طبق معنایی که برای لهو اختیار کرده‌اند درباره آن نظر داده‌اند.

درباره اختلاف نظرها در مفهوم لهو باید گفت این مفهوم نیز مانند مفهوم سرگرمی از مفاهیم اجتماعی و عرفی محسوب می‌شود؛ این‌گونه مفاهیم تعریف دقیقی ندارند و پیرو استعمالات عرفی هستند. همچنین، برای معنا کردن لهو باید فهم جامعه زمان صدر اسلام و نیز روایات و آیات درباره لهو بررسی شود که این امر خود روشن کردن معنای لهو را دشوارتر می‌کند. به این منظور، کتب لغتی که استعمالات مربوط به زمان صدر اسلام را گردآوری کرده‌اند و همچنین، روایات و آیات و دیدگاه متفکران اسلامی نیز بررسی می‌شود.

به نظر می‌رسد لهو به معنای سرگرمی است و از منظر اخلاق اسلامی همیشه مذموم و ناپسند نیست. برخی از ادله‌ای که مؤید این دیدگاه است، در ادامه بیان می‌شود و در بخش‌های دیگر، به ادله‌ای که به طور مطلق لهو را مذموم شمرده‌اند، پرداخته می‌شود. از جمله ادله‌ای که بر نزدیک بودن معنای لهو و سرگرمی و وجود لهو مطلوب دلالت دارد، تعاریف لغوی و اصطلاحی لهو است؛ برای نمونه، برخی از این تعاریف عبارتند از: «تمایل به چیزی و لذت بردن از آن، بدون توجه به نتیجه آن» (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱۰، ص ۲۴۶). «مشغول شدن از چیزی به چیز دیگر و ترک کردن چیزی به خاطر چیز دیگر» (احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۱۳).

در این تعاریف، به وجود میل و انگیزه لذت جویی در مفهوم لهو اشاره شده است که نشان‌دهنده قرابت میان مفهوم لهو و سرگرمی از این حیث است؛ چراکه سرگرمی به معنای امروزی آن همراه میل و انگیزه لذت جویی است.



همچنین در این تعاریف، به بی توجه بودن به نتیجه و درحقیقت غیرانتفاعی بودن لهو اشاره شده است و چون در برابر انجام سرگرمی مزدی دریافت نمی شود و برخی سرگرمی های امروزی را غیرانتفاعی دانسته اند (دومازیه، ۱۳۵۲، ص ۱۷)، می توان گفت از این جهت نیز دو مفهوم لهو و سرگرمی قرابت دارند.

ادله دیگری که بر نزدیک بودن معنای لهو و سرگرمی و وجود لهو مطلوب دلالت دارد، برخی از روایات است. این روایات را می توان در دو دسته جای داد: دسته اول که در منابع مهم روایی شیعه مانند کافی و خصال صدوق آمده اند؛ دسته دوم که در منابع اهل سنت وارد شده اند و در بعضی کتب شیعی معاصر نیز ذکر شده اند. دسته اول شامل دو روایت است:

روایت اول در اصول کافی نقل شده است. در این روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «لهو مؤمن در تأدیب اسب و تیراندازی و لذت بردن از همسراست.»<sup>۱</sup>

برخی متفکرین اسلامی درباره این روایت گفته اند: آن لهوی که غرض عقلانی دارد باطل نیست و واضح است که در غیر از موارد استثنائیه، آن لهوی که غرض عقلانی دارد، حرام نخواهد بود و ذکر برخی از استثنائات از باب نمونه است. همچنین ایشان لهو را مطلقاً حرام ندانسته اند (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۶۵ و ۳۶۹). برخی دیگر درباره حرمت لهومی گویند: مفهوم لهو اجمال دارد؛ چراکه در لغت به معنای مشغول شدن، وانمود کردن به مشغول بودن و غفلت است و گاهی به معنای لعب (بازی کردن) نیز استعمال شده است. معلوم نیست مراد شارع کدام یک از این موارد است و نمی توان بر این عموماً استدلال کرد و حرام بودن امور لهوی تنها در منصوصات شرعی ثابت است (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۱۶۵). همچنین به نظر می رسد اگر لهو به طور مشخص معنایی مذموم داشت باید فقها مانند دیگر قواعد فقهی، لهویت و لهو بودن را دلیل ممنوعیت و حرمت یک فعل می دانستند؛ در حالی که در این مسئله اختلاف است (ایروانی و حائری، ۱۳۸۸، ص ۴۳).

۱. «كُلُّ لَهْوِ الْمُؤْمِنِ بَاطِلٌ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ فِي تَأْدِيبِهِ الْفَرَسِ وَ رَمِيهِ عَن قَوْسِهِ وَ مُلَاعَبَتِهِ امْرَأَتَهُ فَإِنَّهُنَّ حَقٌّ» [الكافی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰].



روایت دوم از امام باقر علیه السلام در *خصال* صدوق آمده است. امام می‌فرماید: «لهو مؤمن در سه چیز است: لذت بردن از همسر، شوخی با دوستان و نماز شب.»<sup>۱</sup> روایت دوم مؤید این نظر است که ذکر برخی از استثنائات از باب نمونه است؛ چراکه در روایت دوم استثنائات دیگری نیز وارد شده؛ یعنی استثناء شوخی با دوستان و نماز شب.

لازم به ذکر است این دو روایت در منابع دیگر روایی که پس از *کافی* و *خصال* نوشته شده و در سخنان متفکران شیعی به وفور نقل شده است.

اما دسته دوم روایات سه روایت است و در منابع اهل سنت وارد شده است. با صرف نظر از ایراد سندی، می‌توان این دسته را مؤید احادیث دسته اول دانست. این روایات عبارتند از:

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بهترین لهوها در پیش خدا اسب‌دوانی و تیراندازی است.»<sup>۲</sup> همچنین می‌فرماید: «به لهو پیردازید و بازی کنید؛ زیرا دوست ندارم که در دین شما خشونت دیده شود.»<sup>۳</sup>

همچنین می‌فرماید: «بهترین لهو مرد مؤمن، شنا و بهترین لهوزن، ریسندگی است.»<sup>۴</sup> این دسته از روایات در کتاب *مفاتیح الحیات* نیز نقل و لهوبه «سرگرمی و تفریح» ترجمه شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۱ تا ۲۰۴).

در نهایت می‌توان گفت اگر لهو نوعی سرگرمی مذموم باشد، طبق این فرض، سرگرمی به دو گونه لهوی و غیرلهوی تقسیم می‌شود که هر کدام احکام فقهی، اخلاقی و حقوقی خاص خود را خواهد داشت.

### نهی از سرگرمی در منابع دینی

سرگرمی در مفهوم یک حالت نفسانی که در اثر آن نتایجی چون حالت خرسندی و تفریح به انسان دست می‌دهد، دارای آسیب‌ها و نتایج نامطلوب نیز هست. در توصیه‌های

۱. «لَهُوَ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ التَّمَتُّعِ بِالنِّسَاءِ وَ مُفَاكَهَةِ الْإِخْوَانِ وَ الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ» [ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۶۱].  
 ۲. «أَحَبُّ إِلَهْوَالِي اللَّهِ تَعَالَى إِجْرَاءُ الْخَيْلِ وَالزَّمِيِّ» [سیوطی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۸ / پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۶۹].  
 ۳. «الهُوَ وَالْعَبْوَاتِي أَكْرَهُ أَنْ يَرَى فِي دِينِكُمْ غَلْظَةً» [سیوطی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۲۹ / پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۵۹].  
 ۴. «خَيْرُ لَهُوَ الْمُؤْمِنِ السَّبَّاحَةِ وَ خَيْرُ لَهُوَ الْمَرْأَةُ الْمَغْزَلُ» [سیوطی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۱۴۶ / پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۷۳].



دینی بر مبارزه با آسیب‌های سرگرمی‌ها تأکید شده است. فهم دقیق سخن شارع در این موارد اهمیت بسزایی دارد؛ چراکه اگر دقیقاً مراد سخن شارع فهمیده نشود، چرایی و دلیل این نکوهش‌ها هم نامعلوم باقی خواهد ماند و نمی‌توان معیاری برای سنجش اخلاقی یا غیراخلاقی بودن سرگرمی‌ها در سبک زندگی اسلامی ارائه کرد.

در قرآن کریم، نکوهش‌هایی، به‌طور اجمالی و گسترده، درباره سرگرمی‌ها آمده است. به‌نظرمی‌رسد همین اجمال و گستردگی موجب برداشت‌های اشتباه از دیدگاه اسلام درباره سرگرمی و تفریح شده است. در منابع دینی، در این باره مفاهیمی چون لهو، لعب، لغو، باطل، عبث وجود دارد که همه این مفاهیم، با مفهوم سرگرمی نسبت دارند؛ به عبارت دیگر، این مفاهیم مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها برای سرگرمی‌ها تعیین می‌کنند؛ مثلاً سرگرمی نباید باطل باشد یا سرگرمی نباید بیهوده و عبث باشد.

بر اساس این آیات، برخی از فقها به حرمت هرگونه لهو و لعب فتوا داده‌اند (به نقل از: شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۱). شمار این آیات درباره لهو و مشتقات آن ۱۱ آیه، درباره لعب و مشتقات آن ۲۰ آیه و درباره لغو و مشتقاتش ۱۰ آیه است که جزیک مورد (یوسف، ۱۲) در بقیه موارد همگی معنایی مذموم دارند.

در یک دسته‌بندی، نهی از سرگرمی به‌طور عام به چهار دسته تقسیم شده است: دسته اول، آیاتی که دنیا را لهو و لعب معرفی می‌کند؛ دسته دوم، آیاتی که مؤمنان را به دوری از لهو و لغو وصف می‌کند؛ دسته سوم، آیاتی که در نکوهش بیهودگی است؛ و دسته چهارم، روایاتی که در آن‌ها سرگرمی‌ها مذمت شده‌اند. به این عمومات می‌توان دسته پنجمی نیز افزود که این دسته درباره سرگرمی‌های خاص هستند. اینک به بررسی هریک از این دسته‌ها می‌پردازیم.

### لهو و لعب بودن دنیا

﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾؛ «این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است، ای کاش می‌دانستند» (عنکبوت، ۶۴).

درباره این آیه و آیات مشابه آن (ر.ک: انعام، ۳۲؛ حدید، ۲۰؛ محمد، ۳۶) که لهو و لعب بودن دنیا را گوشزد می‌کند، دو احتمال به ذهن نگارنده می‌رسد: اول این که معنای حقیقی لهو و لعب به معنای مذموم محدود باشد؛ دوم این که سرگرم شدن به دنیا در مقایسه با سرگرم شدن به امور اخروی مذموم باشد. بنابراین، نفس سرگرم بودن به دنیا (لهو) نیز بد نیست. این احتمال صحیح‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا همچنان که در مفهوم‌شناسی لهو گفتیم معنای لهو مذموم نیست.

در این آیه به معیارهای سرگرمی اخلاقی چون سرگرم نشدن به گناهان و توجه به عالم غیب نیز اشاره شده است؛ چراکه سرگرم شدن به دنیا و غفلت از آخرت یکی از گناهانی است که در حیطه سرگرمی‌ها وجود دارد و آیه نیز آن را نهی می‌کند. همچنین توجه به آخرت که امری غیبی و نامحسوس است نیز در آیه بالا بیان شده است. بنابراین، انسان مؤمن در سبک زندگی خود سرگرمی‌ای را برمی‌گزیند که گناه نباشد و در آن به سرای آخرت توجه شود.

### توصیف مؤمنان به دوری از لهو و لغو

در آیات متعددی مؤمنان به دوری از لهو، لعب، لغو و قول زور وصف شده‌اند. در این باره در آیات اول تا سوم سوره مؤمنون آمده است: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾؛ «به راستی که مؤمنان رستگار شدند؛ همانان که در نمازشان فروتن‌اند و آنان که از بیهوده رویگردانند» (مؤمنون، ۱ تا ۳ / نیزر. ک: فرقان، ۷۲). در این آیات، مؤمنان از لغو رویگردان معرفی شده‌اند. لغو در اصطلاح شرع، عمل یا فکری بیهوده و باطلی است که موجب غفلت انسان از یاد خدا می‌شود (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱۰، ص ۲۰۸). این تعریف نشان می‌دهد مطلقاً بدون هدف بودن یک فعل موجب لغو بودن آن فعل نیست، بلکه لغو عملی است که موجب غفلت انسان از یاد خدا می‌شود.





همچنین توصیف مؤمنان به دوری از اعمال بیهوده نشان می‌دهد اصل وقوع اعمال غفلت‌انگیز در انسان‌ها امری مسلم و مشهود است و هدف دادن به اعمال انسان، از جمله سرگرمی، ارزش دینی و مطلوب محسوب می‌شود. بنابراین، انسان مؤمن، سرگرمی‌هایی را انتخاب می‌کند که سودمند باشد و او را از اهداف دینی خویش همچون یاد خدا دور نسازد.

در آیه ۵۵ سوره قصص در وصف مؤمنان گفته شده است: ﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ﴾؛ «و چون لغوی بشنوند از آن روی برمی‌تابند و می‌گویند کردارهای ما از آن ما و کردارهای شما از آن شماست؛ سلام بر شما، جوایب [مصاحبت] نادانان نیستیم» (قصص، ۵۵).

در این آیه، لغو یا جهالت ملازم دانسته شده است؛ چراکه کسانی که اهل لغو هستند، نادان خطاب شده‌اند (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۷۴). این ملازمت لغو و جهالت، به معیار عقل‌گرایی در کلیه افعال انسان از جمله سرگرمی‌ها اشاره دارد.

در آیه دیگر، مؤمنان این‌گونه وصف شده‌اند: ﴿رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾؛ «مردانی که نه تجارت و نه دادوستدی آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی‌دارد و از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیرورو می‌شود، می‌هراسند» (نور، ۳۷).

در تفسیر این آیه از امام صادق علیه السلام روایت شده است که این‌ها تاجر بودند و هنگام نماز تجارت را رها می‌کردند، آهنگ نماز می‌کردند و به سوی آن گام برمی‌داشتند و البته اینان ثوابشان از کسانی که به کار مشغول نیستند و به نماز حاضر می‌شوند، بیشتر است.<sup>۱</sup>

در این روایت به اهمیت کار و عبادت در کنار هم توجه شده است و کار کردن که امری سودمند است، چنانچه مانع ذکر و عبادت خدا شود، مذموم شمرده شده است. بنابراین، سرگرمی یا کار بودن یک فعل، ذاتاً مذموم نیست، بلکه امور دیگری چون ممانعت از ذکر خدا مذموم است.

۱. «قَالَ كَانُوا أَصْحَابَ تِجَارَةٍ فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ تَرَكُوا التِّجَارَةَ وَانْظَلَقُوا إِلَى الصَّلَاةِ وَهُمْ أَكْبَرُ أَجْرًا مِمَّنْ لَمْ يَتَّجِرْ» [ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۹۲].



## نکوهش بیهودگی

در آیات متعددی بیهودگی اعمال انسان دلیل مذمت و بدی آن دانسته شده است؛ برای نمونه خداوند در آیه سوم سوره حجر می‌فرماید: ﴿ذُرِّهِمْ يُكَلِّفُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمْلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾؛ «بگذارشان تا بخورند و برخوردار شوند و آرزو [ها] سرگرمشان کند، پس به زودی خواهند دانست» (حجر، ۳).

فصل مشترک و قدر متیقن در این آیات و آیات دیگر، دوری از سرگرمی بیهوده است (ر. ک: جمعه، ۱۱؛ توبه، ۶۵؛ انبیاء، ۲ تا ۳؛ لقمان، ۶). به نظر می‌رسد بیهودگی در آیات قرآن به معنای چیزی است که مانع کمال انسان می‌شود و هر عملی که بدون هدف و غایت باشد بیهوده نیست؛ چراکه عملی عادی که در آن آینده‌نگری و توجه به هدف دیده نمی‌شود نیز ممکن است سودمند باشد. چه بسا فعلی بدون هدف انجام شود، اما سودی با ارزش در پی داشته باشد.

## روایاتی در مذمت سرگرمی

روایات نسبتاً زیادی درباره نکوهش سرگرمی وارد شده است. نکته مهم درباره این روایات و ادله مذمت‌کننده سرگرمی‌ها، وجود ادله نسبتاً زیاد در مقابل این ادله، در ترغیب به سرگرمی‌هاست؛ مانند ترغیب به شادی، بازی، گذران صحیح اوقات فراغت و نیز سرگرمی‌های خاصی چون شنا، تیراندازی و اسب‌سواری و امثال آن. بنابراین، باید به رفع تعارض ظاهری بین این ادله توجه کرد. همچنین از امر و نهی متعدد درباره سرگرمی می‌توان نتیجه گرفت سرگرمی مسئله‌ای بااهمیت بوده که شارع بدان توجه کرده است. در این بخش، برای نمونه، چند مورد از روایاتی که در آن‌ها از سرگرمی مذمت شده است را ذکر می‌کنیم:

از امام علی علیه السلام روایت شده است: «بدترین چیزی که عمر را تباه می‌کند بازی [ناپسند] است.»<sup>۱</sup> بنا بر ظاهر این روایت، هرگونه لعب و بازی مذموم است؛ هرچند به نظر



۱. «شَرَّ مَا ضَعِفَ فِيهِ الْعَمْرُ اللَّعْبُ» [تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۱۱].



می‌رسد مراد این روایت، تمام بازی‌ها نیست؛ چراکه همچنان که گفته شد ادله نسبتاً زیادی در ترغیب به سرگرمی‌ها وجود دارد. در مقام جمع بین این ادله و رفع تعارض ظاهری باید این روایت را درباره بازی‌های ناپسند دانست. در واقع، این روایت می‌خواهد بیان کند که بازی ناپسند چه اثری دارد، نه این که هر نوع بازی را ناپسند معرفی کند. مشابه این روایت، روایات دیگری نیز وجود دارد که برخی دیگر از آثار بازی ناپسند را بیان می‌کند؛ برای نمونه:

حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «سرگرمی [ناپسند] همراه خود را تباه می‌کند.»<sup>۱</sup>  
 امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «سرگرمی [ناپسند] و اشتغال به آن اراده‌های محکم را فاسد می‌کند.»<sup>۲</sup> ایشان در بیان دیگری فرماید: «مجالس سرگرمی [ناپسند] ایمان را فاسد می‌کند.»<sup>۳</sup>

در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: «مؤمن از سرگرمی‌ها [ی ناپسند] روگردان است؛ چراکه آن‌ها قساوت قلب و نفاق می‌آورند.»<sup>۴</sup>

همچنین، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تعریف منافق می‌فرماید: «شخص منافق راضی شده است به آن که از رحمت پروردگار متعال دور باشد؛ زیرا او اعمال ظاهری خود را مطابق شریعت انجام می‌دهد، ولی در باطن و در قلب خود مشغول به لهو و لغو و فساد است و از شریعت تعدی کرده است و آن را استهزاء می‌کند.»<sup>۵</sup>

در این روایات، سرگرمی و بازی از این نظر نکوهش شده است که عمر را تباه می‌کند یا موجب تباهی شخصی سرگرم‌شونده می‌شود یا اراده و ایمان را فاسد می‌کند یا موجب

۱. «اللَّهُوُ يَفْسِدُ صَاحِبَهُ» [کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۳۴].

۲. «اللَّهُوُ يَفْسِدُ عِزَّائِمَ الْجَدِّ» [تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۲۵].

۳. «مجالس اللّهُو تفسد الإيمان» (همان، ص ۷۰۸).

۴. «إِنَّ الْمُؤْمِنَ عَنِ جَمِيعِ ذَلِكَ لَفِي شُغْلٍ مَا لَهُ وَلِلْمَلَاهِي فَإِنَّ الْمَلَاهِي تُورِثُ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ وَتُورِثُ التَّفَاقُ» [مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۳۵۶].

۵. «الْمُتَأَفِّقُ قَدْ رَضِيَ بِبُعْدِهِ عَنِ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى لِأَنَّهُ يَأْتِي بِأَعْمَالِهِ الظَّاهِرَةِ شَبِيهَاً بِالشَّرِيعَةِ وَهُوَ لَاهٍ وَلاَغٍ وَتَبَاغٍ بِالْقَلْبِ عَنِ حَقِّهَا مُسْتَهْزِئٌ فِيهَا» [الامام الصادق، ۱۴۰۰، ص ۱۶۴].

نفاق و قساوت قلب می‌شود. تمام این قیود و شرایط می‌توانند نمودار ویژگی‌های سرگرمی مطلوب در سبک زندگی اسلامی باشند.

براساس مجموع ادله یادشده، غیراخلاقی بودن سرگرمی را می‌توان در مواردی که شارع به‌طور خاص نادرستی آن‌ها را تصریح کرده و منشأ، آثار و لوازم حرام دارد، استنباط کرد.

### نهی از سرگرمی‌های خاص

تا اینجا معلوم شد که به‌طور کلی سرگرمی در سبک زندگی اسلامی مذموم و ناپسند نیست. برخی از سرگرمی‌های خاص نیز وجود دارد که در منابع دینی از آن نهی شده است. در این بخش به شماری از این موارد اشاره می‌شود تا برخی از معیارهای اسلامی در این زمینه آشکارتر شود.

### رقص

منظور از رقص حرکات و اطوار مخصوص و متوالی سر، گردن، سینه، دست‌ها و پاهاست که معمولاً توأم با آواز، آهنگ و موسیقی است (فرهنگ فقه، ج ۴، ص ۱۲۴). البته معلوم است که به حرکات موزون بدن بدون آواز، آهنگ و موسیقی نیز رقص گفته می‌شود و توأم بودن رقص با آواز، آهنگ و موسیقی، امری غالبی است.

در میان متفکران اسلامی درباره رقص نظرات مختلفی وجود دارد. در عدم جواز رقص به روایات مختلفی استناد شده است. برای نمونه به عبارات مختلف از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمودند: «شما را از رقص و نی و تنبک‌ها و طبل‌ها بازمی‌دارم»<sup>۱</sup> همچنین در کتاب *عوالی اللئالی* از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که ایشان از دف زدن و رقصیدن و از هرگونه بازی و حضور یافتن و گوش دادن به آن نهی کرده‌اند.<sup>۲</sup>

۱. «أَنْهَاكُمْ عَنِ الرَّفْنِ وَالْمُؤْمَارِ وَعَنِ الْكُؤْبَاتِ وَالْكَؤْبَاتِ» [کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۲۳].

۲. «وَفِي الْحَدِيثِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الضَّرْبِ بِالْذَّفِّ وَالرَّقْصِ وَعَنِ اللَّعِبِ كُلِّهِ وَعَنْ حُضُورِهِ وَعَنِ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ» [ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۶۰].



در باره حکم فقهی رقص عده‌ای از فقها معتقدند نفس عمل رقص حرام است (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۵۳۱). در مقابل، گروهی هم معتقدند سرگرم شدن به رقص به خودی خود حرام نیست (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۴ / خویی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۷۴). این نظرات نشان می‌دهد که به خودی خود ناپسند بودن و ملازم با عمل ناپسند بودن، دو شاخص مجزا در شناخت سرگرمی مطلوب از نامطلوب است.

با وجود احتیاط فراوان فقها و اختلاف نظر آنان، بنا بر نظر بسیاری از فقه‌های امامیه، رقص زن برای شوهر چنانچه مشتمل بر حرامی نباشد، جایز است (فرهنگ فقه، ج ۴، ص ۱۲۴). این مسئله نشان می‌دهد رقص، سرگرمی‌ای کلاً ناپسند و غیراخلاقی نیست و در مواردی جایز شمرده شده است. همچنین دیدگاه مذکور نشان می‌دهد همراه بودن سرگرمی با برخی از محرمات و امور مذموم دیگر، خود دلیلی اساسی در نهی از سرگرمی‌ها محسوب می‌شود؛ مثلاً در رقص، به نظر می‌رسد اموری چون مخصوص بودن این سرگرمی به طبقه مرفه و بی‌بندوباری آنان، همراه بودن رقص با گوش دادن به موسیقی حرام، شرب خمر، نگاه حرام یا اختلاط زن و مرد و تهدید خانواده، فراموشی و غفلت از وظایف اساسی انسانی و امثال آن، موجب نهی شارع از رقص شده است.

### قمار و شرط‌بندی

در تعریف قمار گفته شده است: قمار در اصل به معنای شرط‌بندی روی بازی با یکی از آلات قمار است (دریایی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۰). بعضی از بازی‌های قمار که در منابع دینی به آن‌ها اشاره شده است عبارتند از: شطرنج، نرد، اربعه عشر، جرّه، بُقیری، اللَّعب بالكعب (قاب بازی)، اللَّعب بالجزوز (گردوبازی که بیشتر بازی کودکان بوده است)، لُعبة الامیر، لُعبة السَّبیب، لُعبة الثلاث، سُدَّر، اللَّعب بالمَداحی، صولجان (طارمی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۸۲).<sup>۱</sup>

۱. درباره معانی این بازی‌ها و مترادف بودن بعضی از آن‌ها با بعضی دیگر. ک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژه‌های «بقر»، «دحا»، «صلح»، «سدر»، «شطرنج»، «نرد» / تبریزی، ۱۳۷۹، ذیل واژه «سردگلیم» / ادی شیر، ۱۳۸۶، ذیل واژه‌های «سدر»، «شطرنج»، «نرد» / شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۱۰ / طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۲۲۲.



در تعریف شرط بندی که در لغت عرب به «رهان» تعبیر می شود، چنین گفته شده است: قرار دادن مالی معین در وسط برای فرد برنده در قمار، مسابقه و مانند آن (فرهنگ فقه، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۶۴۲).

درباره بازی همراه با شرط برد و باخت و قماربازی، احتمالات مختلفی وجود دارد. بنا بر نظر متفکران اسلامی، بازی با آلات قمار ناپسند است؛ حتی اگر بدون شرط برد و باخت باشد. همچنین، شرط بندی جایز نیست؛ چه بازی با آلات قمار باشد، چه نباشد. بر همین اساس، بازی ها از نظر اسلامی به چهار گروه دسته بندی شده اند: بازی با ابزارهای رایج قمار به همراه قرارداد برد و باخت؛ بازی با همان ابزارها بدون قرارداد برد و باخت؛ بازی با ابزارهای غیرقمار همراه با قرارداد برد و باخت؛ بازی غیرقمار بدون قرارداد برد و باخت (طارمی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۸۲).

گروه اول از این چهار گروه - یعنی بازی با ابزارهای رایج قمار به همراه قرارداد برد و باخت، با استناد به ادله فراوان شرعی و عقلی در مذمت قمار و شرط بندی، از منظر اخلاقی جایز نیست؛ اما در انواع دیگر میان متفکران اسلامی اختلافاتی وجود دارد؛ برخی معتقدند اگر ابزارهای قمار با گذشت زمان تغییر عنوان دهند و در غیر قمار رواج یابند، مشمول حکم حرمت بازی با ابزارهای قمار نمی شوند (خمینی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۰). درباره قرارداد برد و باخت نیز به نظر نگارنده باید مفهوم جایزه و شرط بندی بیشتر روشن شود که مثلاً آیا جایزه گذاشتن در تمام مسابقات ورزشی، چه سوارکاری و چه غیر آن، شرط بندی محسوب می شود یا نه؟

درباره بازی غیرقمار بدون برد و باخت، برخی، مطلق بازی کردن (لعب) را حرام و ناپسند دانسته اند (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۴). با توجه به مطالب گذشته معلوم است که این دیدگاه مناقشه بر دار است؛ چراکه ادله فراوانی در تأیید جواز بازی کردن و عموم سرگرمی ها وجود دارد و ادله نهی از عناوینی چون لعب و لهو نیز بر مذموم بودن تمام بازی ها دلالت ندارند، بلکه مقصود آن ها بازی هایی است که منشأ، آثار و لوازم حرام دارند.





### استعمال تفننی مواد مخدر و مشروبات الکلی

گاهی افراد ناآگاه و احیاناً مغرض به بهانه شادی و سرگرمی، نوشیدن مسکرات و استعمال مواد مخدر را توصیه می‌کنند. اسلام با بیانات صریح و روشن به مذمت این اعمال، هرچند به قصد تفنن و تفریح، پرداخته است. در قرآن آمده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطان‌اند. پس، از آن‌ها دوری گزینید. باشد که رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس، آیا شما دست برمی‌دارید؟» (مائده، ۹۱ تا ۹۲).

در این آیه، شراب پلید و اجتناب از آن لازم دانسته شده است. در روایات با تشریح جزئیات بیشتری، شرب خمر و استعمال مست‌کننده‌ها ممنوع اعلام شده است؛ برای نمونه در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است: «[از شرایع اسلام] تحریم شراب، چه کم، چه زیاد است و هر مست‌کننده‌ای شراب محسوب می‌شود. هرچه زیادش مستی آرد، اندکش نیز حرام است و مضطر نباید شراب بنوشد که قاتل اوست»<sup>۱</sup>.

بنا بر این روایت، مصرف تفننی هر مست‌کننده‌ای ممنوع اعلام شده؛ چراکه از مصرف مقدار اندکی از آن نهی شده است. همچنین، طبق نظر فقها نیز مصرف تفننی مسکرات جایز نیست (بهجت، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۳۰۶ / خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۷۸ / مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۴۹۵). از منظر علوم تجربی و طبیعی نیز استعمال مواد مخدر، هرچند به‌طور تفننی، عملی مضر محسوب می‌شود. کتب پزشکان و روان‌شناسان آکنده از ضررهای جسمانی و روانی استعمال مواد مخدر است؛ برای نمونه

۱. «و تَحْرِيمِ الْخَمْرِ قَلِيلِهَا وَ كَثِيرِهَا وَ كُلِّ مُشْكِرٍ خَمْرٌ وَ كُلُّ مَا أَشْكِرُ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ وَ الْمُضْطَرُّ لَا يَشْرِبُ الْخَمْرَ فَإِنَّهَا تَقْتُلُهُ» [ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۲۲].

دکتر دریایی در بخشی از کتاب خود می‌گوید: «مصرف زیاد الکل بر تمام اعضای بدن مانند مغز، دستگاه گوارش، قلب، خون و هورمون‌ها به شدت تأثیر سوء می‌گذارد» (دریایی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۳). وی تفنن و نشاط را بهانه‌ای برای توجیه می‌گساری می‌داند و از آن با چالشی در این باره یاد می‌کند (همان، ص ۹).

بنابراین، یکی از خطرات مهم و بزرگ در این زمینه، کوچک شمردن این گناه است. مصرف تفننی و تفریحی امری است که بسیاری از جوانان را به ورطه نابودی کشانده است. در این مقاله، فقط مطالب شرعی و اخلاقی درباره مصرف تفننی مواد مخدر به اجمال بیان شد و تفصیل این موضوع در این نوشته نمی‌گنجد.

#### نتیجه

در این مقاله درباره این که لهودر اصطلاح شرع به چه معناست، این نتیجه حاصل شد که لهود یعنی سرگرمی و شامل سرگرمی مطلوب نیز می‌شود.

درباره این سؤال که شاخصه‌های سرگرمی مطلوب چیست؟ این نتیجه به دست آمد که برخی از شاخصه‌های سرگرمی مطلوب عبارتند از: مشتمل بر گناهان نباشد و با توجه به عالم غیب صورت پذیرد، مطابق معیارهای عقلی باشد، هدف داشته باشد و بیهوده نباشد، مانع یاد خدا و کمال انسان نباشد، عمر را تباه نکند، اراده و ایمان را فاسد نکند و موجب نفاق و قساوت قلب نشود.

در نهایت، در پاسخ سؤال اصلی مقاله درباره علت و حکمت نهی از سرگرمی در سبک زندگی اسلامی، این نتیجه حاصل شد که سرگرمی‌های نهی شده در منابع دینی، به خودی خود و به طور خاص، حرام هستند یا این که مقرون و ملازم با آن‌ها امر حرامی است یا این که مقدمه یا نتیجه آن‌ها امر حرامی است. بنابراین، غیراخلاقی بودن سرگرمی از منظر شرع را می‌توان در این موارد استنباط کرد. همچنین، وجود اوامر و نواهی فراوان درباره سرگرمی و اوقات فراغت در منابع دینی، خود، گواه اهمیت این مقوله در سبک زندگی اسلامی است.



## منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵)؛ *عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*؛ قم: دار سیدالشهداء للنشر.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)؛ *الخصال*؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳)؛ *من لایحضره الفقیه*؛ تدوین علی اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
۴. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)؛ *تحف العقول*؛ تدوین علی اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
۵. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴)؛ *لسان العرب*؛ بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۶. احمد بن فارس، ابوالحسین (۱۴۰۴)؛ *معجم مقاییس اللغة*؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم.
۷. ادّی شیر، (۱۳۸۶)؛ *الفاظ الفارسیة المعربة*؛ ترجمه حمید طیبیان؛ تهران: امیرکبیر.
۸. الامام الصادق، جعفر بن محمد (۱۴۰۰)؛ *مصباح الشریعه*؛ بیروت: اعلمی.
۹. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲)؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*؛ تهران: مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی.
۱۰. ایروانی، جواد و محمد حسن حائری (۱۳۸۸)؛ «بررسی مسئله حرمت لهوبه عنوان قاعدة فقهی»؛ *مطالعات اسلامی فقه و اصول*؛ ش پاییز و زمستان، ص ۴۳ تا ۸۰.
۱۱. بهجت، محمد تقی (۱۴۲۸)؛ *استفتائات*؛ قم: دفتر آیت الله بهجت.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۶)؛ *جامع المسائل*؛ قم: دفتر آیت الله بهجت.
۱۳. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)؛ *نهج الفصاحه*؛ تهران: دنیای دانش.
۱۴. تبریزی، محمد حسین بن خلف (۱۳۷۹)؛ *برهان قاطع*؛ تهران: نیما.
۱۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)؛ *غرر الحکم و درر الکلم*؛ قم: دارالکتب اسلامی.





۱۶. جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۷)؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام؛ قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)؛ *مفاتیح الحیات*؛ قم: اسراء.
۱۸. حسینی خامنه‌ای، سید علی بن جواد (۱۴۲۰)؛ *أجوبة الاستفتائات*؛ بیروت: الدار الإسلامية.
۱۹. حلی، ابن ادريس (۱۴۱۰)؛ *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳)؛ *قرب الاسناد*؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۱. خمینی، سید روح الله (۱۴۲۲)؛ *استفتاءات*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)؛ *تحریر الوسیلة*؛ قم: مطبعة الآداب.
۲۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵)؛ *مکاسب محرمة*؛ قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله.
۲۴. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۶)؛ *صراط النجاة (المحشی)*؛ قم: مکتب نشر المنتخب.
۲۵. دریایی، محمد (۱۳۸۹)؛ *مشروبات الکلی، قمار و آثار زیانبار آن*؛ تهران: زیتون سبز.
۲۶. دومازدیه، ژوفر (۱۳۵۲)؛ «زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسانه»؛ ترجمه م. آدینه؛ فرهنگ و زندگی، ص ۱۲ تا ۲۳.
۲۷. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۴۰۱)؛ *الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر*؛ بیروت: دارالفکر.
۲۸. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱)؛ *اخلاق و سبک زندگی*؛ قم: معارف.
۲۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی (۱۴۱۰)؛ *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*؛ قم: کتابفروشی داورى.
۳۰. شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵)؛ *المکاسب المحرمة*؛ قم: تراث الشیخ الاعظم.
۳۱. طارمی، حسن (۱۳۷۵) «بازی»؛ *دانشنامه جهان اسلام*؛ ج ۱، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.



۳۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷)؛ *المبسوط فی فقه الإمامیة*؛ تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۳۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)؛ *تفسیر نور*؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)؛ *الکافی*؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)؛ *بحار الانوار*؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷)؛ *استفتائات جدید*؛ قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۷. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵)؛ *مستند الشیعة فی أحكام الشریعة*؛ قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.

